

The Metaphorical Extension of Doomsday-related Mental Concepts in The Holy Quran from a Cognitive Semantics Point of View (based on Image-Volume Schemas)

Nasrolla Shameli¹, Farzaneh Haji Qasemi²

Professor of Arabic Language and Literature, University of Esfahan,
Esfahan, Iran

PhD Candiadate of Arabic Literature, University of Esfahan, Esfahan, Iran

Abstract

Cognitive semantics, as a branch of cognitive linguistics, is trying to connect between words and mental concepts via replicating humans physical actions and body members. From among methods that cognitive semantics has focused on are the metaphorical extension of certain meanings of words; and the presentation of image schemas for the perception of hidden abstract concepts in the words semantic domain within the language-speech context. The Holy Quran, a literary ° cultural wonderwork that it has been sent on Prophet Mohammad of Islam for guiding mankind in the main direction of creation, is reminding important points on the great day of Resurrection via different methods of expression. This research paper aims to disclose the hidden pure beauty in its conceptual sentence and clauses using descriptive ° analytic method and show kinds of image schemas about Doomsday concept. The resolution of this study indicates that the expression of mental concepts using human physical interaction with the phenomena in the outside world expands the semantic range of the words. This means that the audience will be able to decipher complex meanings with regard to the syntagmatic connexion of the lexicon in the language-speech texture.

Keywords: Doomsday Metaphorical extension Image Schemas Abstract Concepts.

بسط استعاره مفاهیم ذهنی مرتبط با «روز قیامت» در قرآن کریم از منظر معناشناسی شناختی (بر اساس طرح‌واره‌های تصویری حجمی)

نصراه شاملی^۱، فرزانه حاجی قاسمی^۲

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
Shameli1332@gmail.com
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
Farzaneh70.ghasemi@gmail.com

چکیده

معناشناختی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی شناختی است که سعی در ایجاد برقراری ارتباط میان واژه‌ها و مفاهیم ذهنی از طریق الگوگیری از افعال فیزیکی و اندام‌های جسمی انسان دارد. از جمله شیوه‌هایی که معناشناسی شناختی بدان تکیه کرده است، بسط استعاره معنای مرکزی واژگان و ارائه طرح‌واره تصویری در جهت درک مفهوم انتزاعی نهفته در حوزه معنایی واژه در بافت زبانی گفتاری است. قرآن کریم، این معجزه ادبی فرهنگی، که با هدف ارشاد انسان در مسیر اصلی خلقت بر پیامبر گران‌قدر اسلام صلوات الله علیه نازل شده است، درباره روز عظیم قیامت نکات مهمی را به شیوه‌های مختلف بیانی متذکر می‌شود؛ ازین‌رو در پژوهش حاضر کوشش شده است تا با استناد بر روش وصفی تحلیلی و با ارائه انواع طرح‌واره تصویری - در حد امکان - پرده از زیبایی‌های ناب نهفته در جملات و عبارات مفهومی حوادث روز قیامت برداشته شود. دستاورد پژوهش گویای آنست که بیان مفاهیم ذهنی با استفاده از تعامل فیزیکی انسان با پدیده‌های محیط بیرونی گستره معنایی واژگان را وسعت می‌بخشد. در همین راستا مخاطب قادر خواهد بود مفاهیم پیچیده را با توجه به پیوند هم‌نشینی واژگان در بافت زبانی گفتاری رمزگشایی کند.

واژه‌های کلیدی

روز قیامت، بسط استعاره، طرح‌واره، مفاهیم انتزاعی.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ شاخه‌ای نو از دانش زبان‌شناسی^۲ است که در طول دهه هفتاد و هشتاد میلادی به عرصه ظهور رسید. این مکتب زبانی از علوم شناختی که به ذهن انسان می‌پردازد و روان‌شناسی گشتالتی^۳ که نقطه مرکزی آن ادراک نتیجه تعامل درون‌داد محیطی و پردازش ذهنی است، سرچشمه گرفته است (Evans & Green, 2006, p.3)، و با علوم دیگری چون عصب‌شناسی، هوش مصنوعی، فلسفه و نقد ادبی در ارتباط است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مکاتب دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود. داشتن چنین تعامل گسترده‌ای با دیگر علوم سبب شده است تا قابلیت انعطاف‌پذیری به خود بگیرد و رابطه زبان انسان را با شناخت وی از جهان پیرامون بررسی و تحلیل کند؛ زیرا «زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند» (Croft & Cruse, 2004) و از زاویه نگاه زبان‌شناسی شناختی «زبان یک قوه ذهنی غیر حوزه‌ای^۴ و وابسته به دیگر قوای ذهنی است» (Langacker, 1987).

«شناخت»^۵ انسان از اصلی‌ترین اصول زبان‌شناسی شناختی به حساب می‌آید و براساس آن، معنا و مفهوم زبانی، درک و دریافت می‌شود. «زبان‌شناسی شناختی، رویکردی است که به زبان مانند وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان می‌نگرد» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

نگرشی که بر مبنای شناخت، معنای واژگان در بافت زبانی را بررسی می‌کند، معناشناسی شناختی نامیده می‌شود. چهار اصل معنایی که مکتب زبان‌شناسی شناختی بدان پای‌بند است، عبارت‌اند از:

۱- منظری بودن معنا^۶: این اصل بر این قرار است که تغییر زاویه دید^۷ به مفاهیم ذهنی، کاربرد متفاوت

واژگان را در گفتار به دنبال دارد. بنابراین معانی و مفاهیم دریچه‌ای هستند که با «نماسازی»^۸ آنها می‌توان ساختارهای شناختی متفاوتی به کلام بخشید.

۲- انعطاف‌پذیری معنا^۹: ساختمان زبانی مفاهیم انتزاعی ثابت و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه همان‌گونه که شناخت و برداشت انسان از محیط اطرافش در حال تغییر و تحول است، ترکیب واژگانی به‌کاررفته او نیز در ارائه مفاهیم، متغیر است.

این اصل معنایی، به عنصر متحرک در مبحث معناشناسی شناختی^{۱۰} - که در ادامه خواهد آمد - اشاره دارد.

۳- مستقل نبودن معنا از سایر حوزه‌های شناختی: نمی‌توان معنی را در محدوده فرهنگ لغت نگه داشت و آن را جدای از دنیای پیرامون دانست؛ زیرا معنی زبانی تجربیات شخص را انتقال می‌دهد.

۴- کارکرد عینی و تجربه‌ای معنا: مفاهیم ذهنی در قالب مفاهیم عینی و تجربه‌ای بیان می‌شود. «جسمی‌شدگی»^{۱۱} معانی بر همین اصل دلالت دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

بنابراین حوزه معناشناسی شناختی، گسترش گستره معنایی واژگان را از خلال بسط استعاری و الگوگیری از افعال فیزیکی و اندام‌های جسمانی انسان می‌داند و طرح‌واره تصویری^{۱۲} را از معنای استعاری واژگان در بافت زبانی - گفتاری، به کار می‌گمارد.

حوزه معناشناسی شناختی بر سه نکته اساسی تأکید دارد: الف) کشف عملکرد ذهن در درک معنا از طریق زبان؛ ب) تأکید بر مدل‌های شناختی در پس فعالیت‌های فیزیکی؛ ج) تعریف استعاره که ابزاری مناسب جهت تشخیص چگونگی اندیشیدن است.

- مقاله «بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی)»، سمیرا خسروی و همکاران، این پژوهش طرح‌های تصویری معناشناسی شناختی در واژگان قرآن کریم را بررسی کرده و نتیجه نشان می‌دهد قرآن کریم با استمداد از طرح‌واره شناختی گوناگونی مفاهیم پوشیده را بیان کرده است.

- مقاله «انتقال معنا از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی‌ام قرآن کریم»، جلیل‌اله فاروقی هندوالان و همکاران، در این پژوهش نمونه‌های تصویرسازی از جزء ۳۰ قرآن کریم انتخاب و بررسی شده‌اند. دستاورد آن به سبک پیام‌رسانی قرآن متنبی بر تصویرسازی‌های گوناگون ذهنی مفاهیم انتزاعی و ملموس کردن آن نزد مخاطب اشاره دارد.

- مقاله «مفهوم‌سازی‌های استعاره مبتنی بر مفاهیم ایستادن و نشستن در قرآن کریم»، شیرین پورابراهیم و همکاران، پژوهش مذکور استعاره‌های ایستادن و نشستن برای مفهوم‌سازی مفاهیم دینی به شکلی کاملاً منسجم را بررسی می‌کند. ضعف و کوتاهی در امور دینی مثل جهاد، با استفاده از مفهوم «نشستن» مفهوم‌سازی شده است و مقاومت در راه خدا، جهاد و نماز با مفهوم «ایستادن» انگیخته شده است.

- مقاله «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناخت»، کردزعفرانلو کامبوزیا و همکاران، این پژوهش با بررسی استعاره‌های جهت‌مند در آیات قرآنی بدین نتیجه می‌رسد که استعاره‌های جهتی، مفاهیم را با اعطای صورت مکانی در جهات متقابل به یکدیگر مرتبط می‌کنند. این جهت‌های مکانی،

در این پژوهش برآینم تا با در نظر داشتن چارچوب استعاره مفهومی و نکات کلیدی معناشناختی، مفاهیم استعاره‌ای واژگان به‌کاررفته در رابطه با روز قیامت را بررسی و ارتباط معنایی جدیدشان را با استناد به طرح‌واره تصویری تجارب فیزیکی و امور عینی تحلیل کنیم.

قرآن کریم، معجزه فرهنگی ادبی، سال‌هاست که توجه بسیاری از پژوهش‌گران مسلمان و غیرمسلمان را به خود جلب کرده است. با این حال، هیچ‌گاه نتیجه‌ای مبنی بر اینکه پژوهش‌های متعدد انجام‌شده با محوریت قرآن، به حد کافی رسیده، حاصل نشده - است. هرچه کندوکاو در مواضع قرآنی این کلام گهربار الهی بیشتر می‌شود، احساس تشنگی به دانستن مفاهیم نهفته در آن افزون می‌شود.

سرچشمه این سیراب‌نشدن و تشنگی روزافزون کجاست. تا کنون از دریچه‌های مختلف و نظریه‌های علمی گوناگون، بدان نگریسته شده است. به نظر می‌رسد سبب این تازگی، به چگونگی بیان مفاهیم انتزاعی و ذهنی موجود در متن آیات قرآنی باز می‌گردد. خداوند تبارک و تعالی برای بیان بسیاری از مفاهیم معنوی و انتزاعی از روش مفهوم‌سازی و جسمی‌شدگی بهره‌جسته و با شیوه بسط استعاره، دایره معنایی واژگان را در ترکیب‌های هم‌نشینی متعدد، وسعت داده است.

۲- پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی بحث و بررسی‌شده قرآن کریم، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

انتزاعشان معنا می‌یابند و وجود اصیل ندارند» (فرهنگ اصطلاحات اصول).

بنابراین می‌توان مفهوم انتزاعی را دریافت معنایی کلی، از مصادیق خارجی دانست. برای مثال گل‌های متفاوتی در یک باغچه کاشته می‌شود. در نگاه کلی همه آنها با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر در رنگ، اندازه، شکل و رایحه دارند، همگی «گل» شناخته می‌شوند و ویژگی‌های مشترکی مانند لطافت، کوتاه‌بودن عمر، نیاز به نور خورشید، خاک حاصلخیز و مرغوب، آب کافی دارند. بنابراین «گل‌بودن» یک مفهوم ذهنی کلی است.

به سخنی دیگر، مفاهیم انتزاعی همان مفاهیمی هستند که ذهن از طریق داده‌های عینی و ملموس به دست آمده از محیط بیرون دریافت می‌کند.

۳-۲- استعاره^{۱۳} سنتی و شناختی

استعاره از نگاه علوم بلاغی قدیم صرفاً یک آرایه ادبی به شمار می‌رود که تنها کارکردش زیبایی‌بخشیدن به متون ادبی است و نمی‌توان خارج از محدوده گفتار ادبی از آن استفاده کرد. نقطه مخالف این دیدگاه، نگاه زبان‌شناسی شناختی به این صنعت است که کارکرد آن را محدود به ادبیات و کلام ادب نمی‌کند؛ بلکه بر این باور است که استعاره قابلیت مفهوم‌سازی و معناسازی دارد و می‌تواند با یاری گرفتن از شناخت انسان و تجارب وی از جهان پیرامون، مفاهیم مجرد و انتزاعی را صورت عینی ببخشد تا درک شود.

نخستین بار لیکاف^{۱۴} و جانسون^{۱۵} استعاره مفهومی یا شناختی را در کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم»^{۱۶} سال ۱۹۸۰ میلادی مطرح کردند.

قراردادی یا دلخواهی نیستند؛ بلکه بر مبنای تجربه‌های فیزیکی و فرهنگی انسان‌ها شکل می‌گیرند. - مقاله «طرح‌واره حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی»، علی محمد آسیابادی و همکاران، دستاورد پژوهش مذکور نشان می‌دهد با طرح‌واره حجمی می‌توان مفاهیم انتزاعی را که بر بودن چیزی درون چیز دیگر دلالت دارد، در قالب مفاهیم و تجربه‌های عرفانی بررسی کرد. از جمله آیه نور، کلمه توحید، اطوار دل، اقلیم هشتم و شهرهای زمردین آن و دریا است.

اما در پژوهش حاضر کوشش شده است تا براساس طرح‌واره تصویری (حرکتی و مقداری)، مفهوم «عذاب» در روز قیامت بررسی شود. با توجه به آنکه تا کنون در حوزه معنایی شناختی و استعاره روز قیامت پژوهشی انجام نشده است، نوشتار پیش‌رو تازه و نو خواهد بود.

۳-۲- بحث و بررسی

۳-۱- مفاهیم انتزاعی

واژه «مفهوم» و «انتزاع» به ترتیب در فرهنگ لغت بدین معنا آمده‌اند: «دانسته‌شده، دریافت‌شده»، «بازداشتن، برکندن و از جای برکشیدن، دورشدن، گرفتن، درآوردن جزئی از یک کل» (دهخدا، ماده ف هم، ن زع).

اصطلاح «مفهوم انتزاعی» در فرهنگ اصول چنین تعریف شده است: «کلمه انتزاعی در مقابل کلمه ذاتی است و عبارت از وصفی است که در خارج برای آن مصداق حقیقی و اصیل پیدا نمی‌شود؛ بلکه وجود آن در خارج وابسته به وجود منشأ انتزاعش است. مانند بالابودن و پایین‌بودن که در خارج در سایه منشأ

می‌شود و متناسب با بافت گفتاری به‌کاررفته در آنها بر مفاهیمی مختلف دلالت می‌کند. «دستوری‌شدگی باز تحلیل معنا و صورت واژه در زبان است». در جهت دستوری‌شدگی واژگان سه نظریه‌ی شناختی مطرح است: بسط استعاره^{۱۸}، رویکرد انتزاعی‌سازی^{۱۹} و دیدگاه استنباط دعوت‌شده^{۲۰}. (نغزگوی کهن و راسخ‌مهند، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰-۱۱۸).

از راه‌کارهای بسط استعاره‌ی معنا، کاربست طرح‌واره‌های تصویری است. اصطلاح «طرح‌واره‌های تصویری» نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی هم‌زمان در کتاب «بدن در ذهن»^{۲۱} اثر مارک جانسون^{۲۲} و کتاب «زن‌ها، آتش و خطر»^{۲۳}، اثر جورج لیکاف^{۲۴} مطرح شد. برداشت هر دو نفر از این اصطلاح «یک بخش کلیدی از تعبیر خاستگاه‌های جسمی‌شدگی اندیشه و مقصود انسان» بود، ضمن آنکه به سه محور فلسفه عمیق، روانشناسی ژرف و مباحث زبانشناسی توجه داشتند (Johnson, 2005, p.15).

طرح‌واره‌های تصویری، برگرفته از تجارب فیزیکی انسان در تعاملش با محیط بیرونی و پدیده‌های ملموس است. این تجارب دائماً تکرار می‌شوند و انسان را در بیان بسیاری از مفاهیم ذهنی یاری می‌دهند. درحقیقت انسان با بهره‌گیری از حواس پنجگانه با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و از تصاویر به‌جای‌مانده از آن برای انتقال اندیشه و معانی پیچیده غیرملموس به دیگران استفاده می‌کند. از جمله می‌توان به «جهت‌گیری‌های متعدد مانند بالا و پایین، جلو و عقب، جزء و کل، مرکز و پیرامون (حاشیه)» اشاره کرد که کاربرد وسیعی دارد (Lakoff, 1987, p. 267) و بدین روش دایره معنایی جدیدی برای واژگان ایجاد می‌شود.

لیکاف معتقد است مفاهیم ذهنی که اندیشه‌ها و رفتارهای آدمی از آن نشأت می‌گیرد، خاستگاه استعاره‌ی دارد (Lakoff & Johnson, 1980, p.8).

«بنیان استعاره، درک و تجربه یک چیز براساس چیز دیگر است. در نظر آنها استعاره اساساً روشی است که از طریق آن مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ی دیگر بیان می‌شود. به همین دلیل برای هر استعاره یک حوزه‌ی مبدأ و یک حوزه‌ی مقصد در نظر می‌گیرند» (فیاضی، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

۳-۳- روز قیامت

مسئله «قیامت» یکی از محورهای اصلی کلام خداوند سبحان در قرآن کریم است. واژه «قیامت» از ریشه (ق و م) گرفته شده است، «قَامَ يَقُومُ قَوْمًا، قِيَامًا وَ قَوْمَةً؛ ایستاد، قَامَ الْحَقُّ؛ آشکار شد، استقرار یافت، قَامَ عَلَى الْأَمْرِ؛ بر آن امر مداومت و ثبات داشت، الْقِيَامَةُ؛ روزی که خلق برای حساب‌رسی برانگیخته می‌شوند» (ابن‌منظور، ماده ق و م).

«قیامت» یکی از اصول اعتقادی مسلمانان است که طبق آن روزی، زندگی دنیایی پایان می‌پذیرد و خلق مجدداً سر از خاک برمی‌دارند و برای حساب‌رسی نزد پروردگار جهانیان محشور می‌شوند. قرآن برای درک بهتر بشر از این روز مهم و حیاتی از روش مفهوم‌سازی و تجسم (جسمی‌شدگی معانی) بهره گرفته است، مانند حجم‌دهی، ظرفیت‌بخشیدن، قدرت‌بخشی.

۳-۴- بسط استعاره‌ی طرح‌واره‌های تصویری

یکی از شیوه‌های گسترش گستره معنایی واژگان، کاربرد آنها در معنایی غیر از معنای قاموسی است. بدین منظور حوزه معنایی و مفهومی واژگان طی فرایند دستوری‌شدگی^{۱۷} از محدوده قاموسی خارج

۳-۴-۱-۱- طرح‌واره تصویری ظرفی- مکانی

آدمی با اندام‌های جسمانی خود قادر به درک محیط پیرامون خویش است. این اندام‌ها حواس پنجگانه (بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه) هستند که اشیای اطراف را به طرق مختلف درک می‌کنند و نسبت به آنها شناخت حاصل می‌شود.

تجارب فیزیکی جسم انسان در طول زندگی‌اش بارها و بارها تکرار می‌شوند و به صورت الگویی در ذهن او باقی می‌مانند. یکی از این الگوها شناخت محدوده‌های جغرافیایی و روابط مکانی بالا، پایین، زیر و رو و نمونه‌های مشابه است.

به‌بیانی دیگر مفاهیم انتزاعی و ذهنی در بافت گفتاری‌زبانی به‌گونه‌ای ترسیم می‌شوند که دارای یک پیوند جغرافیایی و مکانی باشد. مفاهیم انتزاعی براساس تجربیات فیزیکی انسان در قالب چیزی درمی‌آیند که دارای طول، عرض و ارتفاعند و فضایی از مکان را اشغال می‌کنند. درحقیقت انسان در اثر تعامل با محیط خارج چنین برداشت کرده است که جسم مظرّف و مکان ظرف است.

نمونه‌های بسیاری از این قبیل طرح‌واره‌ها در زبان فارسی یافت می‌شود که مفهوم انتزاعی ظرف است. مانند: «آدم در سختی‌هاست که دوست را می‌شناسد» (در: اداتی که برای اشاره به ظرف مکانی استفاده می‌شود، سختی: مفهوم انتزاعی). «سختی‌ها» مفهوم انتزاعی است که دارای حجم و گنجایش است و آدم با قرارگرفتن در درونش توانایی لازم جهت شناخت دوست را پیدا می‌کند. اگر سختی‌ها ظرف باشد یعنی دارای طول، عرض و ارتفاع، پس زمانی که آدم در آن بیافتد، قادر به بیرون‌آمدن نیست و در این

نوع طرح‌واره تصویری، متناسب با درک و دریافت تجربیات گوناگون شخص از محیط متفاوتند و بر همان اساس نام‌گذاری می‌شوند. در ذیل به دو نوع کلی طرح‌واره‌های تصویری متناسب با حوزه پژوهشی مقاله اشاره می‌کنیم.

۳-۴-۱- طرح‌واره‌های تصویری حجمی

طرح‌واره‌های تصویری حجمی الگوهای ذهنی انسان است که از طریق تجربیات حسی و عینی وی از محیط زندگی دریافت شده است. آنگاه برای بیان مفاهیم انتزاعی در قالب واژگان از همان دریافت‌های حسی استفاده می‌کند و بدین روش به آنها حجم و اندازه (فرم هندسی) می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

جانسون بر این باور است که «انسان برحسب تجربه قرارگرفتن در مکان‌های دارای حجم، ویژگی حجم‌داشتن را به مفاهیمی گسترش داده است که برایشان حجمی تصور نمی‌شود» (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

لازم به ذکر است که سیدقطب در مبحث تصویرسازی مفاهیم ذهنی، نظریه‌ای تحت نام «تصویرپردازی هنری آیات قرآن» (التصویر الفنی فی القرآن) ارائه کرده و معتقد است، بافت گفتاری قرآن کریم به شکل گسترده‌ای از تصاویر بهره‌مند شده است. با این تفاوت که وی بیش از هر چیز به جنبه هنری تصویرسازی مفاهیم ذهنی در آیات پرداخته و بیان داشته است: «ما در این اثر تنها از دیدگاه هنری محض به مسئله تصویر می‌نگریم» (سیدقطب، ۱۹۸۰، ص ۲۴۲).

حالت دوست واقعی دستش را می‌گیرد و وی را از درونش بیرون می‌کشد.

از این نوع طرح‌واره‌ها در قرآن کریم - طبق پژوهش‌های انجام‌شده - به‌وفور یافت می‌شود. از این رو به نمونه‌هایی از آیات در رابطه با روز قیامت می‌پردازیم.

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۸۵ سوره مبارکه بقره گروهی از مردم را مخاطب قرار می‌دهد و اعمالشان را بیان می‌دارد. در بخش پایانی آیه می‌فرماید که «روز قیامت به شدیدترین عذاب رانده خواهند شد».

«ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُواكُم مِّنْ أَسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوْا مُنُونٌ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكَفَرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۸۵)، [اما پس از آن اقرار و گواهی]، حالا شما هستید که یکدیگر را می‌کشید، گروهی از مردم خود را از سرزمین‌شان آواره می‌کنید و در اینکه گناه و تجاوز نسبت به آنها با یکدیگر همدستی ورزید و اگر بعضی از آنها نزد شما به اسیری آورده شوند، با فدیة گرفتن آزادشان می‌کنید، درحالی‌که اساساً [در تورات] اخراج آنها بر شما حرام اعلام شده است. آیا پاره‌های احکام را قبول دارید و ایمان می‌آوردید و به پاره‌های دیگر کافر می‌شوید! جزای کسانی از شما که اینگونه خلاف احکام عمل می‌کنند، جز رسوایی در دنیا و آخرت چه خواهد بود! و سرانجام در آخرت به بدترین عذاب گرفتار خواهند شد؛ زیرا خداوند به اعمال و رفتار شما مردم توجه کامل دارد (صفارزاده، بی‌تا، ص ۲۹۱).

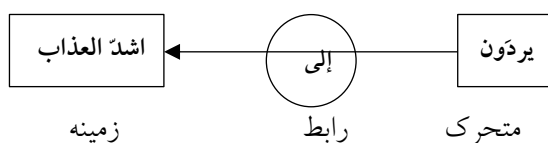
«عذاب» مفهومی ذهنی و غیر عینی است که نمی‌توان آن را نشان داد و یا لمس کرد. بنابراین چیزی که نه دیده می‌شود و نه لمس می‌شود، چگونه می‌توان بدان جهت داد و آن را صحنه مکانی دانست که خلق به سویش رانده شوند؟! مفهوم «عذاب» در آیه مذکور به‌گونه‌ای بیان شده که انگار مکان و موضعی تعریف شده است. بنابراین فعل «یرد» و حرف جرّ مکانی «إلی»^{۲۵} به کار رفته است. در رابطه با معنای حرف جرّ «إلی» چنین آمده است: «برای منتهای غایت است مانند: إِنَّمَا أَنَا إِلَيْكَ: تو هدف و غایت من هستی» (زجاجی، ص ۶۵) و سیوطی نیز معنای آن را «نهایت غایت زمانی و مکانی» دانسته است (سیوطی، ج ۱، ص ۱۵۳).

یکی از محورهای اساسی در حوزه زبان‌شناسی شناختی گستره معنایی حروف اضافه است که به‌شیوه بسط استعاری و دستوری‌شدگی وسعت می‌یابد و بدین‌گونه مفهوم برداشت‌شده از آنها در بافت زبانی و گفتاری فراتر از معنای قاموسی و پیش‌نمونه^{۲۶} می‌رود (زاهدی و محمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

لازم به ذکر است که از نگاه معناشناسی شناختی - یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی - تصویرسازی صحنه مکانی از مفاهیم انتزاعی، ترکیب‌شده از عناصر سه‌گانه ذیل است:

- ۱- زمینه: عنصری بزرگ و ثابت است.
 - ۲- متحرک: عنصری کوچک‌تر از زمینه با قابلیت جابه‌جایی است.
 - ۳- رابطی که دو عنصر زمینه و متحرک را به یکدیگر پیوند می‌دهد (همان، ص ۲۹).
- در عبارت «يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ»، ضمیر متصل مرفوعی واو عنصر متحرک، أَشَدِّ الْعَذَابِ عنصر

زمینه که متحرک را در دل خود جای می‌دهد و حرف جرّ مکانی «إلی» رابط است.



بدین طریق حرف اضافه «إلی» با استفاده از طرح‌واره تصویری به مفهوم ذهنی عذاب، بار معنایی جدیدی بخشیده است.

فعل «ردّ» اگر با حرف جرّ «إلی» با مفعول‌به با واسطه همراه شود، به معنای «بازگردانده می‌شود به سمت...» است (ابن منظور، ماده ردّ د). ضمن اینکه فعل مذکور در آیه به صورت مجهول به کار رفته است و به غیر ارادی بودن آن نسبت به پیمان‌شکنان اشاره دارد. بنابراین از نگاه دانش دستوری، ضمیر مرفوعی واو (پیمان‌شکنان) نائب فاعل و أشدّ العذاب مفعول‌به با واسطه است.

در این آیه عذاب فراهم شده برای پیمان‌شکنان مکانی تصور شده است که به سویش بازگردانده می‌شوند. با در نظر گرفتن ترکیب فعل «ردّ» با حرف جرّ «إلی» یعنی فعل دو مفعولی (بی‌واسطه و با واسطه)، روز قیامت آنها به مکانی ناخوشایند (ضمن در نظر داشتن معنی حرف «إلی» که انتهای ظرف مکان را می‌رساند)، کشیده و با کراهت بدانجا وارد می‌شوند؛ زیرا به دست دیگری و برخلاف میل خویش به آن مکان می‌آیند.

به بیان دیگر صحنه مکانی وصف شده از مفهوم عذاب با کاربرد حرف اضافه مکانی بازنمودی از به‌کارگیری تجارب عینی در راستای درک یک مفهوم انتزاعی است.

بنابراین با استمداد از طرح‌واره تصویری به‌کاررفته در ارائه مفهوم ذهنی «عذاب» و تجارب

عینی که در واقعیت درک شده است (به زور کشیده شدن به طرف مکانی نامطلوب یا همان که در عامیانه می‌گوییم «توی عذاب انداخته خواهند شد»)، می‌توان گفت مراد خداوند عزّوجلّ در این آیه از عذاب روز قیامت برای پیمان‌شکنان همان درد و رنج ناشی از کشیده شدن آنها به مکانی منفور است.

همان‌گونه که زندان‌بانان، فرد مجرم را به زور به طرف زندان (مکانی که برای مجازات و عذاب در نظر گرفته شده است)، می‌کشاند و وی پاهای خود را دورتر از دستانش که در دست زندان‌بان است، قرار می‌دهد تا به هر نحو ممکن خود را رها سازد؛ اما نیروی زندان‌بان بیش از اوست. بنابراین صرف نیرو نه تنها او را نجات نخواهد داد؛ بلکه به شکل مضاعفی بر ترس از گرفتار مکانی تنگ شدن بر خستگی‌اش می‌افزاید. این احساس ترس و خستگی خود نوعی عذاب محسوب می‌شود.

درحقیقت تلاش دو طرفه دو نیرویی را به نمایش می‌گذارد که یکی استقامت بیشتری دارد و دیگری با آن مقایسه نمی‌شود. در نتیجه طرف ضعیف این کشمکش، اندک نیروی خود را نیز از دست می‌دهد.

از طرفی برای مفهوم انتزاعی «عذاب»، میزان تعیین شده است. «شدیدترین عذاب» و آن را همچون شی‌ای نشان داده است که می‌توان اندازه‌ای را برایش مشخص کرد و مقدارش را کم و زیاد کرد. این همان طرح‌واره تصویری مقداری (شیء^{۲۷}) است که در صفحات بعدی بدان خواهیم پرداخت.

با استناد به طرح‌واره‌های تصویری مکانی و مقداری به‌کاررفته در بافت گفتاری آیه می‌توان گفت عذاب در نظر گرفته شده برای پیمان‌شکنان در روز قیامت، رفتن به مکانی با وسعت بسیار اما ناخوشایند،

همچنین در آیه ۸۷ سوره نساء پروردگار جهانیان از روز قیامت این چنین سخن به میان می‌آورد: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء: ۸۷).

و ما محققاً به موسی کتاب تورات را عنایت فرمودیم و بعد از او پیامبرانی یکی بعد از دیگری ارسال داشتیم و به عیسی بن مریم معجزات و حجت‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تأیید و تقویت فرمودیم. پس چرا هر زمان پیامبری خلاف میل و نفسانیات شما [قوم یهود] دستوری الهی را به منظور هدایت آورد و ابلاغ کرد، تکبر و گردنکشی کردید! عده‌ای از آن پیامبران را تکذیب کردید و عده‌ای دیگر را به قتل رساندید (صفارزاده، بی‌تا، ص ۲۹۲).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این آیه نیز برای مفهوم «روز قیامت» از حرف جرّ «إلی» (نهایت زمان و مکان) استفاده شده است و چنین برداشت می‌شود که «روز قیامت» مکان و زمان نهایی است که مردم به قصد آن جمع خواهند شد و به‌سویش حرکت می‌کنند و جز آن دیگر نیست.^{۲۸} گویی «روز قیامت» موضعی است که بی‌شک خلق در آن گرد یکدیگر جمع خواهند شد. بنابراین از تکنیک مکانی‌شدگی و جهت‌مند شدن برای بیان آن روز بهره‌جسته شده است.

نیز آیه ۳۹ سوره القلم «أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَهْدِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ»، یا شما را با ما تا روز قیامت عهد و پیمانی محکم است که هرچه را حکم صادر می‌کنید، همان را خداوند برای شما فراهم کند (صفارزاده، بی‌تا، ص ۱۰۸۴).

تعبیر کرد. مگر می‌شود آدمی با طبع حریص خود از مقدار زیاد خوشش نیاید. وسعت و بسیاری در کنار دردآلود بودن (با اکراه همراه بودن)، خود مجازات و عذابی سنگین خواهد بود.

به‌دیگر سخن شدت عذاب، خود عاملی است که سبب می‌شود تا شخص در مکان وسیع احساس تنگی و ناراحتی کند.

نکته‌ای که می‌توان درباره عبارت «أشدّ العذاب» ذکر کرد، آنست که در آخرت کمیت و کیفیت برابر هستند، برعکس آنچه در دنیا مشاهده می‌کنیم. از این‌روست که خداوند تبارک و تعالی برای مفهوم‌ساختن و بیان مفاهیم ذهنی چون عذاب، از کمیت و کیفیت دنیایی استفاده کرده است.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان مراد از أشدّ العذاب را عذابی دانسته است که «در آن ناامیدی از رهاشدن وجود دارد» (طبرسی، ۱۴۲۷ هـ، ج ۱، صص ۲۱۱-۲۱۰).

لازم به ذکر است که در قرآن کریم علاوه بر این آیه در آیه ۱۰۱ سوره التوبه نیز برای بیان مفهوم عذاب از ترکیب فعل «یردّون إلی» استفاده شده است.

«وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ» (توبه: ۱۰۱) و برخی دیگر از بادیه‌نشینانی که پیرامون شمایند، منافقند و از اهل مدینه نیز گروهی بر نفاق خو گرفته‌اند. ای پیامبر! تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم. به‌زودی آنان را دو بار (یک بار در دنیا و بار دیگر در عالم برزخ) کیفر خواهیم کرد، سپس در سرای آخرت به عذابی بزرگ رانده خواهند شد.

انتزاعی از واژگانی که دلالت بر مقدار (میزان) دارند مانند افزودن، زیاد کرد، کم کرد، کاهش داد، اضافه کرد و غیره استفاده می‌شود.

خداوند تبارک و تعالی از این نوع طرح‌واره در مفاهیم انتزاعی چون عذاب آخرت استفاده کرده است. مانند آیه ۸۶ سوره بقره (أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ) (بقره: ۸۶). اینگونه مردمان، کسانی هستند که زندگی فانی دنیا را به بهای زندگی عالی آخرت خریدار شده‌اند. پس در عذاب و مجازات آنها تخفیفی داده نخواهد شد و به هیچ‌وجه یاری نخواهند شد (صفارزاده، ص ۲۹۲).

آیه در رابطه با کسانی سخن می‌گوید که زندگی دنیوی را بر زندگانی آخرت ترجیح دادند (ارجحیت با فعل خریداری کردن نشان داده شده است که در بحث ما گنجانده نمی‌شود). از عذاب چنین افرادی در روز قیامت کاسته نمی‌شود. مفهوم غیرمادی «عذاب» به‌گونه‌ای تصور شده که گویی شیء است، با قابلیت افزایش و کاهش مقدار.

«یخفف» فعل مضارع از ریشه (خ ف ف) و از باب تفعیل به معنای کاهش یافتن، تقلیل پیدا کردن است (ابن منظور، ماده خ ف ف). این ماده فعلی در اصل برای اشیاء فیزیکی که قابلیت کم و زیاد دارند، به کار می‌رود. طبرسی در تفسیر خود مقصود از فعل یخفف را نقصان‌داشتن و آسان‌گیری بیان کرده است (طبرسی، ۱۴۲۷هـ ج ۱، ص ۲۱۱).

در این آیه نیز طرح‌واره تصویری برگرفته از یک پدیده اقتصادی است. به کار بردن فعل «اشترؤا» و «لا یخفف» نشانه‌های آن است. همان‌طور که انسان در دنیای زمینی در فرایند خرید خواستار پایین آوردن

و آیه ۵ سوره الأحقاف «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ»، کیست گمراه‌تر از آنهایی که خدایان دروغین را پرستش می‌کنند، درحالی‌که می‌دانند که اگر تا روز قیامت هم آنها را به کمک بخوانند، پاسخی دریافت نمی‌کنند و آنها اساساً گوش ندارند و [صدا را با گوش‌های سنگین] می‌توانند بشنوند (صفارزاده، ص ۹۷۴).

و آیه ۲۶ سوره الجاثیه «قُلِ اللَّهُ يُخَيِّبُكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَارِيبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، [ای پیامبر؟] در جوابشان بگو اینکه خداوند است که شما را زنده می‌کند و می‌میراند و بار دیگر در روز قیامت که در وقوع آن شک و تردیدی نیست، همه را گرد می‌آورد و البته اکثر مردم از درک این مهم عاجزند (صفارزاده، ص ۹۷۱).

و آیات ۷۱ تا ۷۲ سوره القصص «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَوْ فَلا تَسْمَعُونَ* قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ أَوْ فَلا تُبْصِرُونَ»، ای پیامبر؟ بگو آیا هرگز فکر کرده‌اید که اگر خداوند اراده می‌فرمود که شب تا زمان قیامت پایدار باشد و زندگی یکسره در شب و تاریکی بگذرد، جز خداوند قادر متعال چه قدرتی می‌توانست نور به زندگی شما ببخشد؟! آیا باز هم از حق، حرف‌شنوی ندارید (صفارزاده، ص ۸۰۴).

۳-۴-۱-۱-۲- طرح‌واره تصویری مقداری

این نوع از طرح‌واره‌های تصویری با اندازه کمی اشیاء سروکار دارد. به‌همین‌خاطر طرح‌واره تصویری شیء‌ای نیز گفته می‌شود. در به تصویر کشیدن مفاهیم

به کار رفته است. بدین ترتیب مفهوم عذاب بسط معنایی پیدا کرده است.

«احصان در این آیه اگر به معنای احصان ازدواج باشد، جزء شرط قراردادنش صرفاً برای این بوده که نمونه سخن جایی است که قبل از ارتکاب فاحشه ازدواج صورت گرفته؛ چون مسئله شرعی چنین است که کنیز اگر مرتکب فحشا شود، چه شوهردار باشد و چه نباشد، حدش نصف حد زن آزاد است، و احصانش چیزی بر حد او اضافه نمی‌کند. اگر «احصان» به معنای احصان اسلام باشد که قرائت با فتحه همزه هم مؤید آن است، معنایش روشن‌تر و بی‌نیاز از مؤنه زائد خواهد بود و بنابراین احتمال معنایش چنین می‌شود، کنیزان اگر زنا بدهند، نصف عذاب آزادگان را دارند، چه شوهر داشته باشند و چه نداشته باشند» (المیزان، ج ۴، ص ۴۴۴).

در تفسیر این بخش از آیه چنین آمده است «... که اگر کنیزان مؤمن مرتکب زنا شدند، نصف عذابی که زنان آزاد و بی‌شوهر دارند، خواهند داشت و آن عبارت است از پنجاه تازیانه» (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ ج ۴، ص ۲۸۶).

در آیه ۸۸ سوره نحل (الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ) (نحل: ۸۸)، آنهایی که کفر ورزیدند و مردم را از راه خدا منع کردند، به کیفر کفر و فسادشان عذابی بر عذاب آنها می‌افزایم [چون آنها عامل سرایت مرض کفر و فساد در جامعه بودند] (صفارزاده، ص ۶۱۶).

وقتی از «عذاب» سخن به میان می‌آید، فعل «زاد» در کنارش به کار می‌رود «زِدْنَاهُمْ عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ». در این عبارت از آیه شریفه مفهوم عذاب به صورتی به تصویر کشیده شده است که انگار قابلیت زیاد شدن

هزینه پرداختی است، در آخرت هم به هنگام پرداخت بهای خریدی که در دنیا انجام داده است (خرید: ترجیح دادن دنیای فانی به دنیای ابدی، بها: عذاب دیدن)، خواهان کم شدن بهای پرداختی است؛ اما امکان‌پذیر نیست.

نیز در آیه ۲۵ نساء درباره مسئله زنا و جزای زناکار سخن رفته است. (... فَإِذَا أَحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (نساء: ۲۵) و هریک از شما که از لحاظ هزینه و امکانات مالی نتوانید با زنان پاکدامن و با ایمان و آزاد ازدواج کنید، با کنیزان مؤمنی که مالک آنها هستید، ازدواج کنید و خداوند به ایمان شما داناست شما هم‌نوع یکدیگر هستید، پس از کنیزها با اجازه [مالک یا سرپرستان] به زنی بگیری و مهریه آنها را به شیوه‌های منصفانه بپردازید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه زناکار و نه اهل دوستی پنهانی با مردان. پس کنیزان چون شوهر کنند، اگر مرتکب زنا شوند، نیمی از مجازات و شکنجه‌های که برای زنان آزاد حکم وارد شده است، باید درباره آنها اجرا شود. [ازدواج با کنیزان] برای آن گروه از مردانی است که از گناهکاری [تحت فشار غریزه] بیم دارند، البته شکیبایی و خویش‌نمایی برای شما بهتر است و خداوند آن عفوکننده رحیم‌گستر است (صفارزاده، ص ۳۷۱).

کاربرد واژه «نصف» برای مفهوم ذهنی «عذاب» نشان از آن دارد که پروردگار جهانیان برای بیان میزان عذاب زنان شوهردار زناکار از تصویری همگانی استفاده کرده است. به سخن دیگر مفهوم عذاب قابلیت کاهش و افزایش کمیت را ندارد؛ اما جهت مشخص کردن اندازه آن، طرح‌واره تصویری مقداری

دارد. همان‌طور که در واقعیت زندگی دنیایی می‌توان بر مقدار چیزی افزود. بنابراین از طرح‌واره تصویری مقداری بهره گرفته شده است.

اگر عذاب از پیش تعیین شده را چون مایعی در ظرفی بدانیم، می‌توان در صورت لزوم بر میزانش افزود. به عبارتی واژه «العذاب» همان مایع درون ظرف است و «عذابا» مایع جدیدی است که به مایع قبل افزوده می‌شود، مانند تصویر ذیل که افزودن مقدار آب در لیوان امکان‌پذیر است.

شایان ذکر است که عذاب آخرت برای مجرمان چنان است که ظرف تابع مظروف است، پس هرچه به عذاب اضافه شود، ظرف هم به پیرو آن متسع می‌شود.

این مطلب که گفته شد در آخرت ظرف تابع مظروف است، بدین نکته اشاره دارد که ظرف و مظروف در جهان آخرت غیر مادی و متغیر هستند، برعکس ظرف و مظروف دنیایی که کاملاً محدود و ثابتند.



تصویر ۱: ظرف و مظروف

از نگاه معناشناسی شناختی «العذاب» عنصر زمیئه و ثابت، عذاباً عنصر متحرک و فعل زدنا، رابط بین دو عنصر در راستای ایجاد معنایی جدید است.

در تفسیر المیزان آیه مذکور چنین به تفسیر کشیده شده است: «در این آیه از نو متعرض حال پیشوایان کفر شده است، با اینکه قبلاً در آیه قبلی سرنوشت همه کفار را بیان کرده بود و از همین جهت وقتی شنونده، آن بیان را شنید که تمامی کفار معذبند

و تخفیف و مهلتی از عذاب نداشتند و در جمله (واکثرهم الکافرون) این را هم شنید که بیشترشان در کفر و شقاوت شدیدترند، قهراً این سؤال در دلش خطور می‌کند که آیا این عده با بقیه کفار که کفرشان به این درجه نیست در عذاب برابرند، با اینکه اینها کفر بیشتری دارند؛ چون سبب کفر دیگران هم شده‌اند. چون جای چنین سؤالی بوده، خدای سبحان کلام را از نو آغاز کرده است تا جواب آن را بدهد و بنابراین فرمود: (الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله) آنها که علاوه بر کفر ورزیدن راه خدا را به روی دیگران هم بستند و با عناد و لجاج کفر خود را تکمیل کردند (زدناهم عذابا)، عذابی اختصاصی در برابر جلوگیری‌شان از راه خدا به ایشان چشاندیم (فوق العذاب) که همان عذاب عمومی در ازای مطلق ظلم و کفر باشد و در این عذاب با بقیه مشرکان شریکند.

و گویا الف و لام در (العذاب) برای عهد ذکری است و به همان عذابی اشاره دارد که قبلاً در جمله (واذا رای الذین ظلموا العذاب...) ذکر کرده بود.

(بما کانوا یفسدون) این جمله تعلیل زیادتی عذاب است. از همین جا روشن می‌شود که مراد از افسادی که در تعلیل نام‌برده واقع شد، همان سد و جلوگیری از راه خداست؛ چون تنها همین صفت است که باعث شده است، عذاب این طائفه بر دیگران بچربد. پس معلوم می‌شود که مراد از افساد هم همین است و به عبارتی دیگر افساد در زمین و جلوگیری از تشکیل مجتمعی صالح امری است که پیش‌آمدنش مستند به ایشان است؛ زیرا اگر افساد و سد اینان نبود، تشکیل چنین مجتمعی مترقب بود» (المیزان، ۱۴۱۷هـ، ج ۱۲).

بزرگی روبه‌رو خواهند شد. واژه «الموازن» که به‌صورت جمع آمده است، گویای این نکته است.

درحقیقت خداوند متعال سعی دارد با به تصویر کشیدن صحنه‌ای از بازار بزرگ (مکانی وسیع با جمعیت و سر و صدای زیاد که هرکسی به‌دنبال برآورده‌ساختن نیاز خویش است)، آدمی را با وضعیت روز قیامت آشنا کند.

واژه «القسط» (صفت برای الموازن) به معنای «عدل، نصیب، سهم و ترازو» است (ابن‌منظور، ماده ق س ط). قسط یک مفهوم ذهنی و غیر مادی، همراه با ترازو و کفه‌های آن به کار می‌رود تا میزان دقت و صحت سنجش آن به‌خوبی روشن شود. به‌کارگیری این ابزار سنجش برگرفته از تجربه انسان در محیط زندگی اجتماعی اقتصادی است، آنها از کفه‌های ترازو جهت اندازه‌گیری دقیق استفاده می‌کنند.

بنابراین اگر مفهومی ذهنی و انتزاعی با تمثیلی از دیده‌ها و امور عینی همراه شود، طبیعتاً بازخورد و دریافت بهتری از مخاطب به‌دنبال خواهد داشت.

در کنار مطرح کردن ترازوها قرآن به واژگانی چون «مِثْقَالٌ» که برای ارزش‌گذاری مادیات در علم حساب و ریاضی استفاده می‌شود، اشاره کرده است. همچنین «حَبَّةٌ» و «خَرْدَلٌ» نمونه‌هایی هستند که برای سنجش میزان و مقدارش ترازو و یا هر وسیله اندازه‌گیری مقدار به کار گرفته می‌شود.

تفسیر آیه در تفسیر المیزان این‌چنین آمده است: «كَلِمَةٌ (قسط) به معنای عدل است و آیه شریفه عطف بیان برای موازن و یا صفت آن است که اگر آن را صفت بگیریم، باید مضافی در آن تقدیر بگیریم و تقدیر آن را (ونضع الموازن ذوات القسط) بدانیم. (وإن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها) - ضمیر در

(وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ) (انبیاء: ۴۷) و ما در روز قیامت (برای سنجیدن عقاید و صفات و عمل‌های مکلفان) سنجش‌ها و ترازوهای عادلانه می‌نهمیم، پس به هیچ‌کس هیچ‌گونه ستم نمی‌شود و از استحقاقش کاسته نمی‌شود و اگر (عمل مکلف در خردی) به وزن دانه خردلی هم باشد، آن را می‌آوریم و همین کافی است که ما حسابگریم.

خداوند متعال از چگونگی سنجش اعمال و رفتار انسان در روز قیامت سخن به میان آورده است. برای سنجیدن ارزش و مقدار اعمال از ترازوها استفاده می‌شود. مسلم است که کفه‌های ترازو وسیله‌ای هستند برای وزن کردن (در اصطلاح عام، کشیدن) هرآنچه دارای ابعاد و حجم است.

در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم در خرید کالاهایی چون خرما، حبوبات، سبزیجات و... از ترازو و وزنه برای اندازه‌گیری ارزش آنها استفاده می‌کنیم.



تصویر ۲: ترازو

براین‌اساس خداوند عزوجل از قسط و عدل با نام کفه‌های ترازو (ظرف) یاد کرده است.

خداوند نیز از این پدیده حساب‌رسی دنیوی جهت درک بهتر آدمی درباره ارزش‌گذاری اعمال و رفتار در جهانی که هیچ‌چیز صورت مادی ندارد، بهره‌جسته است. از تصویر به‌دست‌آمده از آیه شریفه چنین حاصل می‌شود که روز قیامت مردم برای سنجیده‌شدن اعمال و دریافت معادل آن با بازار

مرتکب جرمی می‌شود و به هنگام دستگیری مأموران انتظامی سعی می‌کند با تمام نیرو خود را رهایی بخشد؛ اما چون توان مقابله با آنان را ندارد، علاوه بر ترس از زندانی‌شدن، خستگی این زورآزمایی نیز بر عذاب او افزوده می‌شود.

همچنین عبارت «أشدَّ العذاب» نشان‌دهنده آنست که در آخرت کمیت و کیفیت برابرند، برعکس آنچه در دنیا مشاهده می‌کنیم. از این‌روست که خداوند تبارک و تعالی برای بیان مفاهیم ذهنی چون عذاب از کمیت و کیفیت دنیایی استفاده و آن را با طرح‌واره مقداری بیان کرده است.

نمونه دیگر، تصویر ذهنی ترازو و کفه‌های آن برای اندازه‌گیری دقیق ارزش مقداری شیء است. خداوند متعال از تصویر زندگی اقتصادی مردمان آن روزگار برای چگونگی ارزش‌گذاری اعمال آدمی در قیامت بهره گرفته است.

در عبارت «زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ»، مفهوم عذاب با استمداد از واقعیت زندگی دنیایی به صورتی به تصویر کشیده شده است که قابلیت زیاد شدن را دارد؛ بنابراین از طرح‌واره تصویری مقداری بهره‌گرفته است.

پی‌نوشت

- 1- Cognitive Linguistics
- 2- Linguistics
- 3- Gestalt
- 4- Non - Modular
- 5- Cognition
- 6- Perspectival
- 7- The point of view
- 8- Profiling
- 9- Dynamic
- 10- Cognitive Semantics
- 11- Embodiment

(وإن كان) به عمل موزون برمی‌گردد که از کلمه (میزان) استفاده می‌شود؛ یعنی و اگرچه آن عمل موزون به مقدار سنگینی خردلی باشد، آن را می‌آوریم و ما برای حساب‌کشی کافی هستیم و دانه خردل در اینجا برای مثال ذکر شده است و مبالغه در دقت میزان را می‌رساند که حتی به کوچکی و ناچیزی خردل هم رسیدگی می‌کند و در این تعبیر اشاره به این نیز هست که وزن یکی از شئون حساب است» (المیزان، ۱۳۹۲ هـ ج ۱۴، ص ۲۹۲).

نتیجه

قرآن کریم، اثر ادبی مذهبی جاوید، با توجه به مفاهیم انتزاعی گسترده‌ای که در خود دارد، مملوء از «طرح‌واره‌های تصویری» است. از جمله مفاهیم پراهمیت ارائه‌شده در آیات شریفه قرآن کریم، مفهوم «روز قیامت» است. مسئله «عذاب» مخالفان دین مبین اسلام و افرادی که از دستورات الهی به نحوه گوناگونی سرپیچی می‌کنند، مسئله‌ای است که با تعبیر مختلفی بدان پرداخته شده است.

طرح‌واره‌های تصویری آیات منتخب، در دو حوزه حجمی ظرفی مکانی و مقداری بحث و بررسی شد. از تحلیل نمونه‌های هریک از حوزه‌های تصویری چنین برداشت شد که ضمن تقویت سطح دریافتی مخاطب از مقصود الهی از تجاربی سخن به میان آمد که انسان آنها را در محیط زندگی اجتماعی اقتصادی زمان خویش به‌خوبی درک کرده است.

در عبارت «يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ» مفهوم «عذاب» با توجه به ترکیب فعل «یرد» با حرف جرّ مکانی «إلی» بسان مکانی معرفی شده است که فرد باکراه به آن کشانده می‌شود. مانند شخصی که

۳. الزجاجی، ابوالقاسم (۱۹۸۴م)، *حروف المعانی*، تحقیق علی توفیق الحمد، الأردن: مؤسسه الرسالة.
۴. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن (۱۹۵۱م)، *الایتنان فی علوم القرآن*، القاهرة: نشر مصطفی البابی الحلبي، ط ۳.
۵. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، تهران: سیروس.
۶. راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳)، *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم*، تهران: سمت، چ ۴.
۷. زاهدی، کیوان و محمدی زیارتی، عاطفه (۱۳۹۰)، «شبکه معنایی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی»، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، دوره ۱۳، شماره ۱.
۸. صفارزاده، طاهره (بی تا)، *ترجمه قرآن*، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۹. صفوی، کورش (۱۳۸۴)، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲هـ. ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. --- (۱۴۱۷هـ. ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. طبرسی، الفضل بن الحسن (۱۴۲۷هـ. ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالعلوم.

- 12- Image Schemas
- 13- Metaphor
- 14- Lakoff
- 15- Johnson
- 16- Metaphor we live by
- 17- Grammaticalization
- 18- Metaphorical extension
- 19- Subjectification
- 20- Invited inferencing
- 21- The Body In The Mind
- 22- Mark Johnson
- 23- Women, Fire and Dangerous
- 24- George Lakoff

۲۵- إلى حرف اضافه مکانی و زمانی است که متناسب با بافت گفتار معنای آن متغیر است.

۲۶- از نگاه معناشناسی شناختی، واژگان یک معنای مرکزی یا پیش‌نمونه دارند که با بسط گستره معنایی، معنای حاشیه‌ای و جدیدی از آنها استنباط می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۸).

27- Object

۲۸- البته در قیامت نه زمانی وجود دارد نه مکانی و نه حرکتی؛ بلکه قیامت، عین ظهور حق است و ثبات بر آن حکم فرماست. ولی برای درک قیامت که مفهومی انتزاعی است، می‌توانیم از تصویرسازی مبدأ به مقصد استفاده کرد. تجربه مبدأ با درک حقیقت مقصد، بسیار تفاوت دارد و این به اندازه تفاوت حدوث با قدام است که در فلسفه از آن استفاده می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌منظور (۱۹۸۸م / ۱۴۰۸هـ)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۰. Croft, William and D. Alan Cruse (2004), *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
۲۱. Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press.
۲۲. Geeraerts, Dirk, Ed (2006), *Cognitive Linguistics: Basic Readings*, Mouton De Gruyter.
۲۳. Johnson, Mark (2005), "The Philosophical Significance Of Image Schemas", *From Perception to Meaning: Image Schemas in Cognitive Linguistics* By B.Hampe, PP. 15 ° 33.
۲۴. Lakoff, G., M. Johnson & M. Turner (1989), *More Than Good Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*, Chicago: University of Chicago Press.
۲۵. Lakoff, George (1987), *Women, Fire and Dangerous Things, What Categories Reveal about the Mind*, Chicago: The University of Chicago Press.
۲۶. Langacker, Ronald (1987) *Foundation Of Cognitive Grammar*, Volume I. Stanford, CA: Stanford University Press.
۱۳. گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۱)، «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، تازه‌های علوم شناختی، دوره ۴، شماره ۳.
۱۴. فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
۱۵. فیاضی، مریم‌السادات (۱۳۸۸)، «خاستگاه استعاری افعال حسی چند معنا در زبان فارسی از منظر معنی‌شناسی شناختی»، فصلنامه ادب پژوهی، شماره ۴، تهران.
۱۶. قائمی‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «شبکه‌های شعاعی در معناشناسی قرآن»، ذهن، شماره ۳۸.
۱۷. قطب، بن ابراهیم شاذلی (۱۹۸۰)، *التصویر الفنی فی القرآن الکریم*، بیروت، دارالشروق.
۱۸. نرم‌افزار «فرهنگ اصطلاحات اصول».
۱۹. نغزگوی کهن، مهرداد و محمد راسخ‌مهند (۱۳۹۱)، *دستوری‌شدگی و بسط استعاری*، پژوهش‌های زبانی، دوره ۳، شماره ۱.



